



در تکاپوی

تاج و تخت

اسناد ابوالفتح میرزا سالارالدوله قاجار



سازمان اسناد ملی ایران
پژوهشکده اسناد

به کوشش
رضا آذری
۱۳۷۸

سازمان اسناد ملی ایران در راستای فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقی خود و با اتکا به ذخیره ارزشمند اسناد و مدارک تاریخ معاصر ایران، در ماه‌های اخیر مجموعه اسناد دیگری به کارنامه انتشارات مجموعه‌های اسنادی این سازمان افزوده و آن کتابی است با عنوان در تکاپوی تاج و تخت که مشتمل است بر اسناد ابوالفتح میرزا سالارالدوله قاجار. این مجموعه که به کوشش رضا آذری فراهم آمده از ۲۰۰ برگ سند پیرامون فعالیت‌های سالارالدوله تشکیل شده است. این اسناد تا حدودی بیانگر فعالیت‌ها و تکاپوهای سالارالدوله برای احراز مقام پادشاهی و همچنین گویای اوضاع سیاسی و اجتماعی یکی از پرمخاطره‌ترین دوران‌های حیات سیاسی کشور است. در ابتدای کتاب با عنوان «درآمد» افزون بر چهل صفحه مطلب به خصوصیات

شخصی، شرح حال و تلاش‌های سیاسی و نظامی سالارالدوله برای کسب تاج و تخت و اوضاع و احوال سیاسی - اجتماعی زمان او اختصاص یافته که به قلم گردآورنده و تهیه‌کننده کتاب است.

استاد و استفاده نویسنده در این بخش از اسناد متعدد، به گونه‌ای که حتی بسیاری از مکاتبات سالارالدوله با افراد متعدد در مراحل مختلف فعالیت‌های سیاسی و نظامی‌اش ذکر شده، به ارزش سندیت و گستردگی مطلب «درآمد» افزوده و تصویری نسبتاً جامع از شخصیت و اقدامات مشارالیه ارائه می‌نماید.

بنا به نوشته ایشان در بخشی از «درآمد» کتاب، اسناد این مجموعه با مراجعه به میکروفیلم‌های ۱۲۷ پرونده که بالغ بر ۸۳۰۰ برگ سند بوده، انتخاب شده است. از این میان چند هزار سند به تاثیرات سوءطغیان‌های سالارالدوله بر اوضاع اقتصادی ایران اختصاص داشته که ایران تا چندین سال گرفتار آن بود. در این مجموعه برای نمونه اسنادی از این اختلالات اقتصادی آورده شده اما کثرت این اسناد به گونه‌ای بوده که خود بررسی جداگانه‌ای را می‌طلبد. همچنین برای تکمیل این مجموعه ۲۰ سند از اداره انتشار اسناد وزارت امور خارجه و یک سند چهاربرگی

از مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی دریافت شده است. در ادامه کتاب متن حروفچینی شده اسناد، عیناً به چاپ رسیده است و توضیح بیشتری راجع به اهمیت و یا ویژگی‌های خاص برخی از اسناد و یا بررسی تاریخی جداگانه‌ای در مورد یک یا پاره‌ای از اسناد و به طور کلی هیچ تحقیق و پژوهشی درباره سند مشخصی در کتاب نیامده و صرفاً متن اسناد به چاپ رسیده است. بدیهی است معرفی سندی ویژه و یا بررسی وسیع‌تر سندی که نسبت به اسناد دیگر مجموعه، از اطلاعات ذیقیمت تاریخی و یا ویژگی منحصر به فردی برخوردار است و یا حداقل اشاره به برخی اسناد حائز اهمیت که متضمن اطلاعات کاربردی و مفید هستند بر ارزش علمی و کیفیت مطلوب پژوهشی مجموعه می‌افزاید.

البته در مقدمه کتاب - «درآمد» که تکاپوهای سالارالدوله مفصلاً شرح و بررسی شده از اسناد مجموعه استفاده فراوان شده به حدی که می‌توان گفت این بخش عمده‌تاً براساس اسناد نگارش یافته، لیکن تحلیل‌ها و بررسی‌هایی مستقل راجع به اسناد برجسته و مهم به چشم نمی‌خورد.

در بخش پایان کتاب، تصویر حدود بیست سند به چاپ رسیده، آنگاه فهرست اعلام آمده و در خاتمه هشت عکس از سالارالدوله در ستین مختلف به چاپ رسیده است. هر چند معرفی اجمالی کتاب در این حد بسنده می‌نماید، لیکن بدون شک بی‌بردن به موضوع و محتوای اسناد مجموعه حاضر بدون شناخت سالارالدوله ناقص است. شناخت شخصیت و اقدامات سالارالدوله، به عنوان چهره‌ای ضدمشروطه که اقدامات نظامی و سیاسی او در بی‌ثبات کردن اوضاع و احوال عمومی کشور و متزلزل ساختن ارکان حکومت و نظام نویبید مشروطه نقشی اساسی داشت و قبول این واقعیت که همین بی‌ثباتی نیز شرایط را برای به قدرت رسیدن رضاشاه و استبدادآینده او فراهم ساخت، همچنین آگاهی از شرایط سیاسی و اجتماعی زمان او، علاوه بر کمک به دریافت موضوع کتاب، محققانی را که به نوعی علاقمند به استفاده از اسناد این مجموعه در

نگاهی به کتاب در تکاپوی تاج و تخت اسناد ابوالفتح میرزا سالارالدوله قاجار

○ مجتبی تبریز نیا

- در تکاپوی تاج و تخت (اسناد ابوالفتح میرزا سالارالدوله)
- به کوشش: رضا آذری
- سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، ۳۲۲ ص، چاپ اول، ۱۳۷۹، بهاء ۱۲۰۰۰ ریال

تحقیقات خود هستند دریافتن پیوند موضوعی و یا اسناد و مآخذی مفید در راستای پژوهشهای خود یاری می‌رساند. لذا در اینجا نگاهی گذرا به زندگانی و تکاپوهای سالارالدوله افکنده می‌شود تا محدوده زمانی و موضوعی کاربرد اسناد این مجموعه روشن‌تر گردد.

ابوالفتح میرزا سالارالدوله، پسر سوم مظفرالدین شاه، در سال ۱۲۹۸ هـ. ق. در تبریز متولد شد. ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۶ ق، هنگام عزیمت به فرنگ در سفر سوم، در موقع عبور از آذربایجان به او لقب سالارالدوله داد. در سال ۱۳۱۵ به حکمرانی ایالت کرمانشاهان و سرحداری عراقین منصوب شد. پس

از ورود به محل خدمت خود قصد دست اندازی به املاک مردم را داشت ولی به علت مخالفت مردم به دستور مظفرالدین شاه از حکومت آنجا برکنار شد. در سال ۱۳۱۶، به پیشکاری میرزا محمود خان مدیرالدوله حکومت منطقه خنک (زنجان) به او واگذار شد. در سال ۱۳۱۸ نیز به حکومت خوزستان، لرستان، بروجرد و بختیاری و ریاست ایلات آن حدود به انضمام ریاست تمام قشون آن مناطق منصوب شد که تا سال ۱۳۲۴ قمری ادامه داشت. سالارالدوله از سال ۱۳۲۵ قمری تا سال ۱۳۰۶ شمسی بالغ بر پنج مرتبه برای کسب قدرت و تاج و تخت سلطنت تلاشهایی را صورت داد که هیچ کدام قرین موفقیت نبود. او نخستین بار در سال ۱۳۲۵ هـ. ق. علیه محمدعلی شاه برادر صلیبی خود قیام کرد و قصد فتح تهران و خلع برادر را داشت ولی با درایت نخست وزیر علی اصغرخان اتابک اعظم مواجه و در مدت کمی در نهاوند سرکوب شد. سرکوبی او سه روز طول کشید و در شرف دستگیر شدن بود که به کنسولگری انگلیس در کرمانشاه پناهنده شد و با دریافت تأمین جانی در سال ۱۳۲۶ هـ. ق. به ظهیرالدوله، نماینده شاه تسلیم شد و تحت‌الحفظ به تهران آورده شد. مرتبه دوم در سال ۱۳۲۹ هـ. ق. بود که تا سال ۱۳۳۱ هـ. ق. ادامه پیدا کرد و جدی‌ترین تکاپوی سالارالدوله محسوب می‌شود. بخش اعظم اسناد ارائه شده در کتاب حاضر نیز به همین تلاش دوم مربوط می‌شود که برضد مشروطه خواهان صورت گرفته است. در این مرحله همزمان با تلاش محمدعلی شاه برای اعاده سلطنت که پس از خلع از سلطنت و تبعید وی صورت گرفت و او در سواحل دریای خزر پناهنده شد و قصد فتح تهران و خارج ساختن آن از دست مشروطه خواهان را داشت، سالارالدوله نیز در غرب ایران تلاشهایی را باهمین هدف آغاز کرد.



ملک میرزا شماع السلطنه، منصور



به سال ۱۳۳۳ هـ. ق. مربوط می‌گردد که با حمایت آلمان و عثمانی انجام گرفت ولی به دلیل مخالفت ملیون و درخواست از آلمانها مبنی بر عدم حمایت از سالارالدوله، تلاش وی ناکام ماند.

تلاش چهارم سالارالدوله در سال ۱۳۰۲ ش. صورت گرفت که با شیخ خزعل همکاری نمود اما پس از دستگیری شیخ خزعل به اروپا بازگشت و سپس مقیم مصر شد. سالارالدوله در پنجمین و آخرین تقلای خود در راه نیل به سلطنت، با حمایت ضمنی انگلیس شورشی را در کردستان به راه انداخت که این بار نیز قرین شکست شد. وی سرانجام در سال ۱۳۲۸ ش. در شهر اسکندریه در ۸۰ سالگی درگذشت.

برایند نظر تعدادی از مورخان و نویسندگان از شخصیت و عملکرد سالارالدوله او را از شاهزادگان بی‌بند و بار قاجاریه و آلت دست بیگانگان توصیف می‌کنند که در ماموریتهای سیاسی و حکومتی خود فردی متعددی و متجاوز به حقوق مردم بود. در مقدمه کتاب حاضر درباره خصوصیات شخصی سالارالدوله

چنین آمده است: «متون و اسناد تاریخ معاصر از چهره و شخصیت سالارالدوله تصویری فاقد هرگونه ثبات اخلاقی و روانی و رفتاری به دست می‌دهند. چنانکه سرچورج بارکلی، سفیر بریتانیا درباره او می‌گوید: «سالارالدوله شخص غیر عادی متلون المزاجی است و به عقیده بسیاری نمی‌توان او را چندان مسوول اعمالش شناخت. احمد کسروی از او به عنوان «دیوانه گریزیا» و مورگان شوستر از او به عنوان «دیوانه» یاد می‌کند. محمد مردوخ درباره رفتار غیرمعقول و نامتعادل او آورده هنگامی که سالارالدوله حاکم کردستان شد، به وقت ورودش به سنندج «هنگام رسیدن به میان کسبه از توی کالسکه خودش امر می‌داد و با دست هم اشاره می‌کرد که به خاک بیفتید، به خاک بیفتید، مردم بیچاره هم عموماً به خاک افتاده زمین اطاعت را می‌پوسیدند خود شاهزاده از خاک افتادن مردم می‌خندید». دکتر قاسم غنی درباره شخصیت او می‌گوید: «مرد سطحی ساده‌ای است با خصوصیات کودکانه شاهزاده نمره اول ایران که آقا زاده بارآمده و بیچه هم می‌ماند.»*

در این جریان محمدعلی شاه شکست خورد ولی سالارالدوله اقدامات خود را دنبال کرد و در نواحی غرب کشور به نام خود سکه زد. یک سوی سکه بیت «سکه بررز می‌زند سالارالدین - یورش باشد امیرالمؤمنین» و در طرف دیگر سکه چنین حک شده بود: «سلطان ابوالفتح شاه قاجار».

سالارالدوله کرمانشاه و کردستان را متصرف شد و با ارسال تلگرافهایی به دولت و مجلس شورای ملی خود را شاه خواند و پس از آن از طریق همدان برای گرفتن تهران عزیمت کرد. اما در حدود ۲۴ فرسخ جنوب شرقی تهران، در اثر جنگی که صورت گرفت، شکست خورد و با دادن تلفات زیاد به عراق گریخت، دولت هم املاک او و برادرش شماع السلطنه راضی‌نمود. اما سفارت روس در این کار دخالت کرد و دو برادر را تبعه روس خواند، بدیهی است صفرسن احمدشاه و وجود نیابت سلطنت که به نوعی تاج و تخت را تضعیف نموده و دستگاه سلطنت فاقد سلطانی بالغ و مقتدر بود در تحریض و تحریک سالارالدوله برای کسب تاج و تخت بی‌تأثیر نبوده است.

سومین تلاش سالارالدوله در راه رسیدن به سلطنت

* شرح حال سالارالدوله براساس منابع زیر تدوین گشته است: مهدی بامداد شرح حال رجال ایران، کتابفروشی زور، چاپ سوم، ۱۳۶۳، جلد ۱، صص ۵۰-۴۸؛ حسن مرسلوند، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، انتشارات الهام، چاپ اول، ۱۳۷۴، جلد ۴، صص ۱۱۱-۱۱۲؛ رضا آذری، در تکاپوی تاج و تخت: اسناد ابوالفتح میرزا سالارالدوله قاجار، سازمان اسناد ملی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۸، «درآمد».